

Insightful and Orientational Methods for Cultivating the Virtue of Gratitude in Surah Al-Rahman*

Fatemeh Vojdani¹ Alireza Golmohammadpour Lori²

1. Associate Professor, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

f_vojdani@sbu.ac.ir

2. MA in Teaching Islamic Doctrines, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

agol64430@gmail.com



Abstract

Gratitude is one of the important virtues in theology, ethics, and positive psychology. Despite extensive research on the concept of gratitude, there are still many gaps regarding how to strengthen it. Islamic sources appear to be useful for this purpose. The aim of the present study is to examine gratitude in Surah Al-Rahman from an educational perspective. To this end, qualitative content analysis of Surah Al-Rahman was employed. Based on the findings, the educational methods include two general categories: cultivating cognitions (involving strengthening the recognition and acknowledgement of blessings; and strengthening the recognition and acknowledgement of the benefactor) and cultivating orientations (involving strengthening divine love, enhancing sensitivity and responsibility, reproaching the ungrateful person, repetition and emphasis, warning the ungrateful, and encouraging and urging the grateful, with the

* Vojdani, F; Golmohammadpour Lori, A. (2025). Insightful and Orientational Methods for Cultivating the Virtue of Gratitude in Surah Al-Rahman. *Ethics and Psychology*, 1(2), pp. 39-64.

<https://doi.org/10.22081/jmp.2026.73164.1018>

* **Type of article:** Specialized; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy.

▣ **Received:** 2025/05/15 • **Revised:** 2025/07/20 • **Accepted:** 2025/08/20 • **Published online:** 2025/10/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://jmp.isca.ac.ir>

intermingling of the manifestation of mercy and threats with the predominance of mercy). Therefore, on the one hand, God corrects and strengthens the necessary cognitive foundations for grateful behavior, and on the other hand, in the realm of orientation, He uses a combination of positive emotions such as love, eagerness, and hope, and negative emotions such as guilt, shame, remorse, and fear, to correct the moral vice of ingratitude and to encourage and strengthen gratitude.

Keywords

Thanksgiving, Gratitude, Surah Al-Rahman, Education, Holy Quran.



اخلاق و روان‌شناسی



دوفصلنامه علمی - تخصصی اخلاق و روان‌شناسی
سال اول • شماره دوم • پاییز و زمستان ۱۴۰۴ • شماره پیاپی ۲

شیوه‌های بینشی و گرایشی پرورش فضیلت شکر در سوره الرحمن*

فاطمه وجدانی^۱ علیرضا گل‌محمدپور لری^۲

۱. دانشیار، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f_vojdani@sbu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

agol64430@gmail.com



چکیده

از فضایل مهم در الهیات و اخلاق و روان‌شناسی مثبت‌نگر، فضیلت شکر است. با وجود تحقیقات زیاد درباره مفهوم شکر، هنوز خلأهای زیادی در مورد چگونگی تقویت آن وجود دارد. به نظر می‌رسد که منابع اسلامی، برای این منظور مفید باشند. هدف تحقیق حاضر بررسی شکر در سوره الرحمن، با نگاه تربیتی است. برای این کار، از تحلیل محتوای کیفی سوره الرحمن استفاده شد. بر اساس یافته‌ها، شیوه‌های تربیتی شامل دو دسته کلی پرورش شناخت‌ها (مشمتم بر تقویت شناخت و تصدیق نعمت؛ و تقویت شناخت و تصدیق منعم) و پرورش گرایش‌ها (مشمتم بر تقویت حب الهی، تقویت حساسیت و مسئولیت‌پذیری، سرزنش انسان ناسپاس، تکرار و تأکید، انذار ناسپاسان و تشویق و ترغیب شاكران، درهم آمیختگی اظهار رحمت و تهدید با غلبه رحمت) به دست آمد. بنابراین خداوند از یک سو، مبادی شناختی لازم برای رفتار قدرشناسانه را اصلاح و تقویت می‌کند و از سوی دیگر، در زمینه گرایشی از ترکیبی از عواطف مثبت مانند عشق، شوق و امید، و عواطف منفی چون احساس گناه، شرم، ندامت و ترس، برای اصلاح رذیله اخلاقی ناسپاسی و ترغیب و تقویت شکر استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها

سپاسگزاری، شکر، سوره الرحمن، تربیت، قرآن کریم.

* وجدانی، فاطمه؛ گل‌محمدپور لری، علیرضا. (۱۴۰۴). شیوه‌های بینشی و گرایشی پرورش فضیلت شکر در سوره الرحمن. اخلاق و روان‌شناسی، ۱(۲)، صص ۳۹-۶۴.

<https://doi.org/10.22081/jmp.2026.73164.1018>

▣ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

© ۲۰۲۵ نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



مقدمه

از فضایل اخلاقی مهم، فضیلت «شکر» است. شکر تاریخچه‌ای طولانی در الهیات و اخلاق دارد. اجماع نظر جهانی میان اندیشمندان اخلاقی و دینی بر این است که انسان‌ها ملزم به ابراز قدردانی در پاسخ به منافع دریافتی هستند (پیتسون و سلینگمن، ۱۴۰۰، ص ۷۹۹). در اخلاق اسلامی، شکر منعم از دستورهای عام اسلام است (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲) و در عین حال امری فطری است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۵۵) که فریضه بودن شکر را عقل برهانی می‌فهمد؛ گرچه دلیل نقلی نیز آن را تأیید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲). شکر می‌تواند هم در برابر خدماتی باشد که از سوی دیگران دریافت می‌شود و هم در قبال نعمت‌ها و الطاف الهی باشد.^۱ اگرچه همه نعمت‌ها در اصل، از آن خداوند است و دیگران تنها واسطه رسیدن به نعمت‌ها هستند (داودی، ۱۳۹۳، ص ۷۳). لذا شکر خالق موجب نورانیت باطن (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۵۵)، جلب محبت خداوند^۲ و افزایش و دوام نعمت در زندگی دنیا^۳ می‌شود.

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی شکر آن است که انسان به نعمت منعم همراه با اجلال و تعظیم او اعتراف کند، سراسر جهان اعم از آفاق و انفس و عالم و آدم را نعمت خدا بداند و آگاه باشد که کنار سفره خدا نشسته است و این نعمت‌ها را بجا مصرف

۱. «و وَصِيًّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِضَالُهُ فِي عَمَامِينَ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او حامله شد؛ [درحالی‌که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و بازگرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن. بازگشت [همه] فقط به سوی من است» (لقمان، ۱۴).

۲. «حَقِيقَةً خَدَاوَنَد هَر قَلْب مَحْزُون وَ هَر بِنْدَه سِپَاَسْكَزَار وَ قَدَرْدَان رَا دُوسْت مِی‌دَارَد» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۹، ح ۳۰).

۳. «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است» (ابراهیم، ۷).

امام صادق علیه السلام: «آن را که بر تو نعمتی داده است، سپاس بگزار و بر آن که سپاس می‌گذارد، نعمت ده که هر گاه نعمت‌ها سپاسگزاری شوند، زوال نمی‌پذیرند و هر گاه ناسپاسی شوند، دوام نمی‌یابند. شکر موجب زیادی نعمت و مانع دگرگونی آنهاست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۹۴).

کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲). صاحب‌نظران، شکر را دارای ارکانی می‌دانند: معرفت منعم (شامل شناخت صفات شایسته او و درک گستره نعمت‌هایش)، حالت خضوع و تواضع که ثمره این معرفت است، عملی که ثمره این حالت است، و نشاط عمل (فیض کاشانی به نقل از محدثی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱). در تعبیری دیگر، شکر مشتمل بر سه عنصر شناختی، قلبی و رفتاری است (غزالی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۶۰). عنصر شناختی شکر این است که انسان بداند همه نعمت‌ها از آن خداوند است و دیگران تنها واسطه میان خداوند و اویند تا نعمت‌ها به او برسد. عنصر قلبی آن است که انسان با مشاهده نعمت‌های الهی دل‌شاد شود و عنصر عملی نیز آن است که نعمت‌های الهی را در راهی که او دستور داده است، به کار برد (داودی، ۱۳۹۳، ص ۷۳). بنابراین می‌توان گفت شکر در اخلاق اسلامی، دارای مؤلفه‌های درونی (شناختی و گرایشی) و ظهور و بروز بیرونی (جوارحی) است.

افزون بر الهیات و اخلاق، شکر^۱ در روان‌شناسی مثبت‌نگر نیز به‌مثابه یکی از توانمندی‌های منش و فضیلت‌های انسانی مطرح شده است (پیترسون و سلیگمن، ۱۴۰۰). پیترسون و سلیگمن قدردانی را به‌مثابه ترکیبی از حس شکر‌گزاری، لذت و شادمانی در واکنش به دریافت یک هدیه می‌دانند. از منظر آنان، قدردانی محصول درک این نکته است که فرد از اعمال فرد دیگر بهره می‌برد؛ یعنی فرد اذعان می‌کند که از دیگری هدیه می‌گیرد و درباره ارزش آن هدیه فهم، دریافت، حق‌شناسی و قدردانی دارد (پیترسون و سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۷۹۷). بنابراین احساسی است مبتنی بر یک ادراک.

مکاله و همکاران^۲ (۲۰۰۱) قدردانی را عاطفه‌ای اخلاقی می‌دانند؛ بدین معنا که قدردانی کارکرد انگیزشی اخلاقی دارد؛ یعنی فرد شاکر را برمی‌انگیزد تا در قبال نیکوکار و دیگر افراد، رفتار جامعه‌پسندانه‌ای داشته باشد؛ و نیز از کارکرد تقویت‌کننده اخلاقی برخوردار است؛ یعنی وقتی ابراز می‌شود، نیکوکاران را تشویق می‌کند که در آینده به صورت اخلاقی رفتار کنند.

1. Gratitude Construct

2. McCullough et al.

قدردانی نه تنها یک احساس مثبت است،^۱ بلکه به مثابه یک فضیلت،^۲ نوعی بدهی^۳ یا وظیفه^۴ نیز تئوریزه شده است. زمانی که شکر را یک فضیلت در نظر بگیریم، آن را چیزی بیش از تجربه یک احساس (مانند خوشحالی) می دانیم. در واقع، اگر کسی فقط از دریافت خیرخواهی، خوشحال باشد، اما تمایل به جبران صادقانه نداشته باشد، ممکن است حتی او را فردی ناسپاس بدانیم. برعکس، کسی را می توان دارای فضیلت قدردانی دانست که نه تنها از اینکه دیگری به او خیرخواهانه سود رسانده است، خوشحال می شود، بلکه تمایل به جبران لطف دارد و صادقانه - به دلیل آن لطف - ابراز قدردانی می کند و به انجام عمل متناسب با آن مبادرت می ورزد؛ از این رو پاسخ سپاسگزارانه عامل فضیلت مند، گاهی به مثابه یک بدهی یا وظیفه سپاسگزاری تئوریزه می شود (Roberts & Telech, 2019).

شایان ذکر است که شکر به مثابه صفت، در قالب شکری پیوسته و پایدار ابراز می شود که صرف نظر از شرایط زمانی و موقعیتی حفظ می گردد (پیترسون و سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۷۹۸). فیتس جرالده^۵ (۱۹۹۸) سه مؤلفه برای شکر بیان می کند: حس صمیمانه قدرشناسی از کسی یا چیزی، حس حسن نیت^۶ به کسی یا چیزی، و آمادگی برای عملی برخاسته از آن حق شناسی و حسن نیت. فرد قدردان آنچه را از سخاوت فرد دیگر دریافت کرده است، تصدیق می کند.

طبق یافته تحقیقات میدانی، افراد شاکر، سطوح بالاتری از هیجان مثبت، رضایت از زندگی، نشاط و خوش بینی، و سطوح پایین تری از افسردگی و استرس را گزارش می کنند (McCullough et al., 2002). قدردانی نه تنها به بهزیستی روان شناختی و شادی کمک می کند (Behzadipour et al., 2019)، بلکه برای سلامت جسمی نیز مفید است (Hill et al., 2013)

-
1. positive emotion
 2. virtue
 3. debt
 4. duty
 5. Fitzgerald
 6. Goodwill

و از بسیاری رفتارها همچون اعتیاد به سیگار، مواد مخدر و الکل، رفتارهای ضد اجتماعی و رفتارهای جنسی پرخطر جلوگیری می کند (Kendler et al., 2003; Ma et al, 2013). بنابراین شکر می تواند گمشده بشر امروز باشد.

شکر به دو صورتِ قدردانی شخصی (تشکر از فرد دیگر) و قدردانی فراشخصی (مانند قدردانی از خدا) دسته بندی شده است. مزلو با اشاره به قدردانی فراشخصی بیان می کند که افراد در حین و بعد از تجارب اوج، به طور منحصر به فردی احساس خوش اقبالی، کامیابی و جذبه می کنند. افراد دین دار به طور معمول احساس قدردانی در برابر خدای خود دارند و این احساس، آنها را به سوی انجام عبادت، شکرگزاری، ستودن، تمجید کردن، نذر کردن و دیگر واکنش های مطابق با چارچوب دینی مرسوم سوق می دهد (Maslow, 1964, pp. 67-68).

مسئله این است که با وجود اینکه تاکنون نکات ارزشمندی درباره شکر به دست آمده، کمتر به بررسی و تبیین ریشه های آن پرداخته شده است (پیترسون و سلیگمن، ۱۴۰۰، ص ۸۰۱). چنین خلأهای معرفتی، مسیر تقویت این فضیلت اخلاقی را با دشواری مواجه می کند.

به نظر می رسد که با وجود منابع اصیل اسلامی، به ویژه قرآن کریم می توان در مورد فضیلت شکر، نکات دقیق و درخور توجهی به دست آورد و در اختیار علاقمندان تربیت اخلاقی قرار داد.

در میان سوره های قرآن کریم، سوره «الرحمن» مشتمل بر نعمت های معنوی و مادی خداوند است؛ به طوری که می توان این سوره را «سوره رحمت» یا «سوره نعمت» نامید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۸۹). بنابراین بررسی این سوره می تواند نکات تربیتی ارزشمندی درباره فضیلت اخلاقی شکر نعمت در اختیار ما قرار دهد. هدف این پژوهش، بررسی فضیلت شکر در سوره الرحمن با نگاه تربیتی، و در نهایت، ارتقا فضیلت شکرگزاری در انسان هاست.

در این تحقیق به دو پرسش پاسخ داده می شود: (۱) در سوره الرحمن برای پرورش

شکر از چه شیوه‌های بینشی استفاده شده است؟ ۲) در این سوره کدام شیوه‌های گرایشی برای پرورش شکر به کار رفته است؟

پیش از این نیز برخی محققان به بررسی و مطالعه سوره الرحمن از نگاه ادبی (رحیملو و طیب حسینی، ۱۳۹۹؛ احمدی، ۱۴۰۰؛ رقیبی و نورائی، زیر چاپ)، زبان‌شناسی (رحمتی و قیطوری، ۱۴۰۰؛ شاهرخی شهرکی، ۱۴۰۱)؛ زیبایی‌شناسی (رضوان و زرین‌پور، ۱۳۹۲) و هنری (بماینان و همکاران، ۱۳۹۰؛ موسوی لر و یاقوتی، ۱۳۹۲؛ کاشف بناب و همکاران، ۱۴۰۲) پرداخته‌اند. بنابراین پژوهش‌های قبلی برای پاسخگویی به پرسش‌های این تحقیق کافی نیست؛ از این رو انجام یک پژوهش جدید با هدف پاسخ به این پرسش‌ها، امری ضروری به نظر می‌رسد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. برای این کار، محتوای سوره الرحمن - به کمک تفاسیر المیزان، تسنیم، نمونه و نور - مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به پرسش‌های تحقیق، فیش‌برداری لازم انجام شد. داده‌ها دسته‌بندی و کدگذاری شدند و در نهایت، در دو محور شیوه‌های بینشی و گرایشی سامان‌دهی شدند.

۱. شیوه‌های تربیتی سوره الرحمن در ارتباط با «شکر»

سوره الرحمن پنجاه و پنجمین سوره قرآن است که ۷۸ آیه دارد و به احتمال بیشتر مکی است. این سوره تنها سوره‌ای است که بعد از بسم‌الله، با یکی از اسمای خدای عزوجل آغاز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۵). این سوره دو فصل دارد: فصل اول مربوط به دنیا و نعمت‌های دنیاست، فصل دوم مربوط به انتقال از دنیا به برزخ و صحنه قیامت است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۹/۰۵). به مناسبت تمرکز این سوره بر ذکر نعمت‌های گسترده الهی، با نام رحمان آغاز شده که نشانگر رحمت گسترده و عمومی خدا (بر مؤمن و کافر) است، و در آخر نیز با آیه «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» پایان می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۶). این سوره افزون بر در اختیار نهادن حکمت نظری، حکمت عملی و باید و نبایدهای فراوانی را نیز به انسان می‌آموزد (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۳) که یکی از آنها شکر نعمت است.

متخصصان برای قرآن کریم دو نوع کارکرد معرفت‌بخشی (اصلاح بینش‌های بشر

درباره واقعیت‌های عالم) و انگیزشی (ترغیب او به سوی اصلاح خود و نیل به کمال وجودی) قائل‌اند (سعیدی روشن، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵). در مورد سوره الرحمن نیز تأثیر آیات به همین صورت است؛ به گونه‌ای که پس از بررسی آیات و تفاسیر آنها و با توجه به یافته‌ها، شیوه‌های تربیتی مربوط به پرورش شکر به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. این یافته بیانگر آن است که اکتفا به اصلاح و تقویت یکی از دو ساحت شناخت و عاطفه، و غفلت از دیگری، تربیتی ناقص و نه چندان مؤثر را به دنبال خواهد داشت.

۲. پرورش شناخت‌ها

قرآن کریم شکرگزاری از خداوند را نتیجه حکمت و فرزاندگی می‌داند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ و به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم که نسبت به خدا سپاسگزار و شاکر باش و هر که سپاس گزارد، تنها به سود خود سپاس می‌گزارد، و هر که ناسپاسی کند، [به خدا زیان نمی‌زند؛ زیرا] خدا بی‌نیاز و ستوده است (لقمان، ۱۲). می‌دانیم که یکی از مبادی مهم رفتار آگاهانه و ارادی، مبدأ معرفتی است؛ از این رو خداوند در سوره الرحمن به صورت اساسی، به تنظیم و اصلاح مبدأ شناختی این رفتار اخلاقی می‌پردازد. این معرفت‌افزایی در سوره ذکر شده، به چند گونه انجام شده است:

۲-۱. تقویت شناخت و تصدیق نعمت

خداوند در سوره الرحمن بر نعمت‌ها تصریح می‌کند و ۳۱ بار بعد از ذکر آلاء و نعمت‌های الهی از مخاطبان می‌پرسد: کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ این ذکر تفصیلی و مکرر نشان می‌دهد که چیزی در عالم نیست که برای انسان سودمند نباشد و برای او نعمت نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۸). آنچه در عالم (دنیا و آخرت) هست، چه عینش و چه اثرش، از نعمت‌ها و آلاء خدای تعالی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۵). چنین آموزشی، نگاه انسان را به جهان تغییر می‌دهد؛ زیرا هنگامی که مهندس عالم «الرحمن» است، هر کاری که انجام می‌دهد - که نمونه‌هایی از آن در این

سوره ذکر شده است - ، همگی بدون استثنا، خوب، عادلانه و از روی رحمت است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶). پدیده‌هایی همچون سیل و زلزله هم در کل نظام عالم، «رحمت» و برکت است و چیزی در عالم به مثابه «غضب» نیست. اساساً «رحمت»، پیشرو و امام است و «غضب» مأموم است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۹/۰۸). وجود جهنم و گرفتارشدن طاعی به قانون الهی نیز ظهور عدل خداست و نعمت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۹/۰۴)، به‌خصوص که وسیله بیداری و تربیت گناهکاران، و تشویق و دلگرمی مؤمنان نیز است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۱۴۶). بدین ترتیب، این سوره کثرت و گستردگی و مداومت نعمت‌های الهی را به بندگانش گوشزد می‌کند (غفاری، ۱۴۰۰).

افزون بر این، خداوند در این سوره، ضمن شناساندن نظام منسجم عالم هستی و ربط دنیا با آخرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۵)، با ذکر نعمت‌های دنیا و آخرت می‌خواهد تفاوت نعمت‌ها را نیز بفهماند و برساند که همه نعمت‌های عالم دنیا دگرگون‌شدنی هستند و شما هیچ کدام از نعم این عالم را با خود نمی‌برید. نعمت‌ها و لوازم آن عالم با اینجا متفاوت است و آن لوازم را اینجا باید تهیه کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۱۵). بنابراین خداوند معرفت کامل و دقیقی درباره گستردگی و انواع نعمت‌ها در اختیار انسان قرار می‌دهد.

از آنجا که کوتاهی در شکرگزاری و گرایش به ناسپاسی تا حد زیادی از نبود معرفت کامل در برابر نعمت‌ها و نیندیشیدن به آنهاست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۷۰)، نخستین راه دستیابی به شکرگزاری نیز معرفت و تفکر در صنایع الهی و در انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی دانسته شده است (نراقی، ۱۳۹۰، ص ۸۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۷۲). این سوره نیز در همین راستا، انسان فراموشکار، غافل و مغرور را بیدار می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۱۱۴) و می‌خواهد که از بندگان، بر وجود نعمت‌ها تصدیق و اقرار بگیرد و مانع مهم «تکذیب»^۱ را از میان بردارد.

۱. تکذیب آن است که دیگری را به دروغ نسبت دهی و بگویی که دروغ می‌گویی، یا به معنی نسبت کذب و انکار است (قرشی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۹۸).

۲-۲. تقویت شناخت و تصدیق منعم

این سوره علاوه بر شناساندن خود نعمت‌ها، منعم و ولی نعمت را نیز معرفی می‌کند؛ زیرا شناخت نعمت‌ها، نردبان معرفت‌الله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۱۱۴). این سوره چند نکته را درباره‌ی خدای تعالی به مخاطب می‌فهماند که خدای رحمان نه تنها همه‌چیز را آفریده، بلکه به بهترین و نیکوترین وجه ممکن، و همچنین از روی نظم و عدل آفریده است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۲). خداوند رحمان صاحب نعمت غیرمتناهی، و فیاض مطلق است؛ رحمت و احسان او شامل هر مضطری با حفظ حکمت و مصلحت می‌شود (ارفع، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴).^۱ شناخت و تأمل در صفات و افعال الهی به معنای درک این حقیقت است که خداوند نعمت‌های زیادی به انسان عطا کرده است و می‌تواند این انعام و اعطا را در دنیا ادامه دهد و بر نعمت‌های دنیوی بیفزاید؛ همچنین می‌تواند انسان را از نعمت‌های والاتر و بیشتر در عالم آخرت بهره‌مند کند. چنین معرفتی در انسان یک حالت خاص روانی پدید می‌آورد؛ یعنی حالت شکر و سپاس که در رفتارهای او نمود می‌یابد؛ به گونه‌ای که انسان شاکر به خدا احترام می‌گذارد، با زبان قدردانی می‌کند، او را عبادت می‌کند و در عمل تلاش می‌کند تا رفتارش درخور احسان او باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۳۴). این معرفت نقش مهمی در تقویت ایمان بندگان دارد. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید که تا بنده، ایمان قلبی نیاورد به اینکه «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، و تا زمانی که کدورت شرک و شک در قلب او باشد، شکر حق را چنان که شاید و باید نمی‌تواند انجام دهد. کسی که نظر به اسباب دارد و تأثیر موجودات را مستقل می‌داند و نعم را به ولی نعمت و صاحب آن ارجاع نمی‌کند، کفران نعمت حق تعالی کرده است؛ زیرا همه‌ی نعم از اوست و برای کسی نعمتی نیست تا منعم باشد، بلکه هستی عالم از اوست و دیگری را هستی‌ای نیست تا چیزی به او منسوب شود (موسوی خمینی، ۱۳۹۷، صص ۲۵۸-۲۵۹). بنابراین تقویت پایه‌های

۱. مراد از رحمت خداوند، احسان، انعام و فضل اوست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۸).

معرفتی و ایمانی، مبنای محکمی برای احساس قدردانی و رفتار شاکرانه فراهم می‌کند.^۱

۳. پرورش گرایش‌ها

علاوه بر تقویت بعد شناختی، در این سوره می‌توان نشانه‌ها و راهکارهای دیگری هم درباره چگونگی ترغیب و انگیزه‌بخشی به افراد در راستای رفتارهای قدرشناسانه یافت. در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. تقویت حب الهی

درک عالم هستی به مثابه نعمت الهی، از یک سو، نگرش و احساس مثبتی به پدیده‌های عالم در ما شکل می‌دهد، و از سوی دیگر، معرفت به اوج رحمت، سخاوت و بخشندگی خداوند، موجبات پیدایش عشق، محبت، و درنهایت، خضوع و خشوع بیشتری در برابر او ایجاد می‌کند.

خداوند علاوه بر ذکر پشت‌هم الطاف و نعمت‌های خود، از طریق استفاده از الفاظ مهربانانه‌ای همچون «ربکما»، عواطف مثبت مضاعفی در مخاطب ایجاد می‌کند. خداوند هم موضع ربوبیت (خیرخواهی و رشددهندگی) خود را نشان می‌دهد و هم با کاربرد ضمیر «کُما» در رَبِّکُما، فضای ارتباطی صمیمانه‌تری بین رب و مروبب فراهم می‌کند. برخی پژوهشگران نیز این طور دریافته‌اند که در آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّکُما تُکذِّبان» وضعیت گفت‌وگو به صورتی است که در مقایسه با آیات پیشین، ابژه‌های منتشر جای خود را به سوژه متمرکز، یعنی انسان داده‌اند و به علاوه، استفاده از بیان پرسشی و دوم شخص در متن این آیه، فضایی گفت‌وگویی را ایجاد کرده است که در آن، گفته‌پرداز (خداوند) در هر گفته در پی جلب توجه مخاطب روی یکی از عناصر گفته است و نتیجه این

۱. برخی افراد قدردانی را نتیجه ادراک شگفتی، حیرت و احترام می‌دانند و معتقدند که بینش‌های جدید می‌توانند افق دید افراد را گسترش دهند و منجر به قدردانی، شگفتی و احترام شوند (Büssing et al., 2024). واینر (۱۹۸۵) نیز بیان می‌دارد که قدردانی یک فرایند شناختی دو مرحله‌ای است: الف) تشخیص اینکه چیزی مثبت به دست آمده است. ب) تشخیص اینکه دیگری، به مثابه یک منبع خارجی، در این دستیابی مؤثر است.

فضای گفتمانی، ایجاد شرایط عاطفی و احساسی در گفتمان است (شریفی و نجم‌الدین، ۱۳۹۳). عشق و محبت به خداوند، زمینه تبعیت از اوامر الهی و استفاده درست از نعمت‌ها (یعنی شکر عملی) را فراهم می‌کند.

۲-۳. تقویت حساسیت و مسئولیت‌پذیری

در سوره الرحمن، هدف خداوند از توصیف نعمت‌های بیکران‌ش، تنها معرفی جهان هستی، شناساندن ذات خداوند، و نمایش هنرنمایی پروردگار در برابر انسان‌ها نیست، بلکه پرورش انسان یعنی خلیفه پروری است. خداوند با مطرح کردن جهان‌بینی، جهان‌دانی و جهان‌آرایی (عدل و نظم) می‌خواهد بفرماید من شما و این همه نعمت برای شما را به بهترین وجه آفریدم، شما نیز خلیفه من هستید، باید همچون دیگر موجودات عالم، وظیفه‌شناس و بنده من باشید، از گناهان اجتناب کنید، به بهترین وجه زندگی کنید، بهترین اعمال را در زندگی انجام دهید، و جامعه را به بهترین وجه اداره کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۷/۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۱). بنابراین اگر انسان، خالق، پروردگار و ولی نعمت خود را به درستی بشناسد و همچنین درباره هدف خلقت، انعام و احسان الهی آگاهی یابد و به آنها مؤمن باشد، آنگاه سنگینی مسئولیت خود را برای زندگی‌ای شایسته و جلب رضایت منعم درک خواهد کرد.

۳-۳. سرزنش انسان ناسپاس

یکی از نکات قابل توجه این سوره، ترجیع‌بند پربرکت «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» است (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۹/۱۸) که خداوند ۳۱ بار بعد از ذکر نعمت‌های الهی از انسان می‌پرسد کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ در قرآن کریم پرسش‌های گوناگونی، از جمله استفهام تأکیدی، تقریری، تحضیضی، انکاری و توییحی یا سرزنشی و ... به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۲۱۷). آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، علاوه بر اینکه استفهام تقریری است و خداوند اقرار بر نعمت‌ها را از بندگان می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۸۹)، استفهام توییحی

هم است و خدای تعالی، انسان‌ها را به دلیل تکذیب آیات و نعمت‌های الهی، سرزنش می‌کند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۳۸۷) و بارها مورد عتاب قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۵۵).

سرزنش، نوعی «گفتار-کنش»^۱ است که کسی را به دلیل سهل‌انگاری و پیامدهای ناشی از آن، به‌طور فعالانه هدف رفتاری شبیه «انتقاد»^۲ - و البته شدیدتر از آن - قرار می‌دهیم؛ به این ترتیب که او را از خطا بودن کارش آگاه می‌کنیم و اعتراض و عدم رضایت خود را به اطلاع او می‌رسانیم (Simion, 2021). این کار به قصد اصلاح انجام می‌شود (Smith, 2013). البته برای اینکه سرزنش مؤثر باشد، نیازمند رعایت ظرایف بسیاری است (نک: وجدانی و گل محمدپور لری، ۱۴۰۲)؛ در اینجا بیان چند نکته، مفید به نظر می‌رسد:

نکته اول، سرزنش زمانی بجا (منصفانه، اخلاقی و منطقی) است که خطا کار به‌طور آگاهانه و ارادی مرتکب خطا شده باشد (Pickard, 2013; Simion, 2021). به اعتقاد کارشناسان، تأکید و تکرار در آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» ما را به این نکته سوق می‌دهد که خطاب این آیه شریفه به موجود مختار است؛ موجود مختاری که خداوند توانمندی‌ها، زیرساخت‌ها و پایه‌های اختیار و انتخاب‌گری، از جمله عقل را در نهاد و ساختار او قرار داده است تا راهش را بشناسد و خودش انتخاب کند؛ از این‌رو از او می‌پرسد که باوجود داشتن عقل، چگونه می‌تواند این همه نعمتی که عالم را فرا گرفته است، ببیند و بازهم آنها را تکذیب کند؟! (دولتی، ۱۴۰۲).

نکته دوم، شرط اثرگذاری سرزنش این است که فرد خاطی، اهمیت اخلاقی کار بدی را که انجام داده یا کار خوبی را که ترک کرده است، به‌خوبی درک کند و به اشتباه خود پی ببرد (Fricker, 2016). آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» نیز استفهام تقریری است؛ یعنی خداوند به‌گونه‌ای نعمت‌های خود را تشریح می‌کند که برای مخاطب ادراک کامل به دست می‌آید و جای انکار باقی نمی‌ماند. به بیان علامه طباطبایی،

1. Speech-Act
2. Criticism

خداوند در این سوره یکی یکی نعمت‌ها و احسانش را برای بنده می‌شمارد و بی‌همتای بودن آنها را یادآور می‌شود؛ با وجود این، جای تعجب است که بازهم بنده، احسان او را انکار کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۶۰). همچنین به بیان شیخ طبرسی، وقتی انسان از این نعمت‌ها در زندگی استفاده می‌کند، ممکن نیست موردی از این نعمت‌ها را انکار نماید (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۶۶). در تعبیری دیگر، وقتی انسان متوجه شود این نعم الهی که خداوند عنایت فرموده، تماماً از قدرت او خارج است، کدام یک از نعم الهی را می‌تواند انکار کند و جهل ورزد و تکذیب کند؟ نمی‌تواند انکار کند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۳۷۴)؛ از این رو هر بار که انسان این آیه را می‌خواند، باید تصدیق کند که «لَا يَشْكُرُ مِنْ آيَاتِكُمْ رَبًّا أُكْذِبُ؛ هیچ‌یک از نعمت‌های الهی را تکذیب نمی‌کنم» (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۸). البته برخی مفسران نیز معتقدند که انکار مربوط به نعمت بودن و سودآوری این اشیا نیست، بلکه انکار منعم و مبدأ فاعلی است، مانند اعتقاد به بی‌صاحب بودن نعمت‌ها (تفکر الحادی) یا دارای ارباب متفرقون بودن آنها (جوادی آملی، ۱۳۹۶/۰۸/۰۹)؛ در حالی که خداوند آگاه می‌کند که همه موجودات نعمت‌اند و منعم آنها خداست.^۱

نکته سوم، سرزنش زمانی تأثیر مثبت دارد که از روی خیرخواهی و با حسن نیت انجام شود، نه آنکه ریشه در کینه‌توزی و دشمنی یا بیان عیب دیگری داشته باشد. در سوره الرحمن نیز خداوند صحبت خود را - علاوه بر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - با کلمه «الرحمن» آغاز می‌کند و سپس، نعمت‌ها و الطاف خود را بیان می‌کند. وقتی انسان متوجه شود که در برابر چنین پروردگار منان و با عظمتی، دچار قدرناشناسی و کفران نعمت است، احساس شرمساری و پشیمانی می‌کند؛ از این رو صاحب‌نظران نیز برای سرزنش، افزون بر کارکرد معرفتی (آگاهی‌بخشی درباره کار خطا)، کارکرد عاطفی

۱. میرباقری (۱۳۹۴) نیز مراتب و مراحل شکر نعمت را شامل موارد ذیل دانسته است: توجه داشتن به نعمت، مستند کردن نعمت‌ها به خود، مستند کردن نعمت‌ها به اسباب و مقدمات، مستند کردن نعمت‌ها به خداوند، درک هدف خداوند از اعطای نعمت‌ها و امکانات ظاهری و باطنی، استفاده صحیح از نعمت در راستای اهداف الهی، احساس عجز از شکرگزاری خداوند، و فهم اینکه خداوند بی‌نیاز از شکر بندگان است (و شکر کردن انسان برای رشد و کمال خود اوست).

(احساس پشیمانی) نیز قائل اند (Fricker, 2016)؛ و هر دوی اینها برای بازگشت به مسیر درست، و جبران خطا ضروری هستند (Vojdani & Golmohampour Lori, 2024).

۳-۴. تکرار و تأکید

در این سوره، خداوند هر بار پس از بیان نعمت‌ها، انسان ناسپاس را مورد سرزنش و عتاب قرار می‌دهد و عبارت «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» را ۳۱ بار تکرار می‌کند. به‌طور کلی، تکرار در قرآن کریم نه تنها بیهوده، ملال‌آور و ناسازگار با فصاحت و بلاغت و اعجاز نیست، بلکه از فنون بلاغت و از محسنات کلام به شمار می‌آید و اهداف و اغراض حکیمانه‌ای دارد (محمودی صاحبی، ۱۳۹۶). برخی اهداف تکرار در قرآن عبارت‌اند از: مدح و بزرگداشت، اظهار درد و اندوه، تعظیم و تهدید، تحقیر و تحکم، و ترغیب مخاطب در قبول کلام (حیدری، ۱۴۰۱).

در مورد تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» نیز به بیان شیخ طبرسی، با توجه به نعمت‌های متفاوتی که بیان شده است و اختلاف آنچه به آن اقرار گرفته می‌شود، تکرار در آن خوب است (و مثل آن در کلام عرب و اشعار ایشان زیاد است) (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۶۶). این تکرار، یادآور کثرت، تنوع و مداومت نعمت‌های الهی است و توجه انسان را به عظمت خالق منان جلب می‌کند (غفاری، ۱۴۰۰). به تعبیر دیگر، تکرار پرسش‌های پی‌درپی همراه با انتقاد، به دلیل آن است که هر نعمتی برای خود تصدیق و تکذیبی دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، صص ۳۸۳-۳۸۵). طبق یافته پژوهشگران، تعبیر یادشده تکراری نیست و تعبیر آلاء در این ۳۱ آیه به معنای یکسان نیست (رقیبی و نورانی، زیر چاپ). بنابراین این تکرار نه تنها منافاتی با فصاحت ندارد، بلکه خود، یکی از فنون فصاحت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۲۳) و با توجه به غفلت انسان می‌تواند در بیداری او هم مؤثر باشد. در واقع تکرار موضوعات مهم برای فرهنگ‌سازی ضروری است، به‌ویژه با توجه به اینکه کمالات اخلاقی در صورت تکرار، در روح انسان ماندگار و ملکه می‌شوند؛ آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» نیز از این جهت تکرار شده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، صص ۳۸۳-۳۸۵). طبق یافته یکی دیگر از پژوهشگران، وجود آیه پرتکرار «فَبِأَيِّ آلَاءِ

رَبِّكَمَا تُكذَّبَانِ» باعث ایجاد ریتم و ضرب آهنگ تند در گفتمان سوره و در نتیجه، باعث تثبیت و تحکیم موضوع سوره الرحمن (تذکر و یادآوری نعمت‌ها) در ذهن و دل مؤمنان می‌شود (شریفی و نجم‌الدین، ۱۳۹۳). بدین ترتیب، این آیه در هر بار ذکر نعمت توسط خداوند، علاوه بر اشاره مستقیم به همان نعمت خاص، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت موضوع و جهت تثبیت آموزه‌های سوره نیز باشد.

۳-۵. انذار ناسپاسان و تشویق و ترغیب شاکران

در سوره الرحمن، خداوند از طریق آگاهی‌بخشی و هشدارهای شدید و بیدارکننده در برابر عذاب‌های آینده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۱۵۸)، ناسپاسان را از انجام رفتار زشت باز می‌دارد. این هشدارها هم باعث دوری از گناه می‌شود و هم مانع شقاوت ابدی می‌گردد (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۹۹؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۳۹۸). در مقابل، با بیان مشروح و گسترده نعمت‌های بهشتی، دل‌های مؤمنان را غرق سرور، شوق و امید می‌کند و غبار غم را از دل‌ها برمی‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۸۹). بنابراین هم به انذار ناسپاسان و هم به تشویق و دلگرم کردن شاکران توجه شده است.

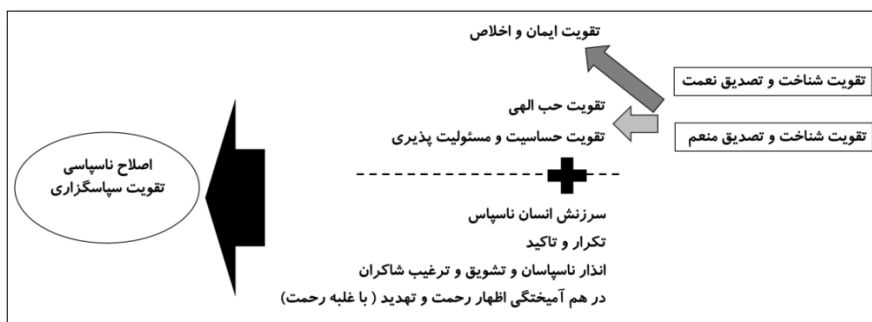
۳-۶. درهم آمیختگی اظهار رحمت و تهدید (با غلبه رحمت)

انسان به لحاظ عاطفی، موجودی ظریف و حساس است و از این رو لازم است که حتی مجرم گناهکار برای اصلاح و تربیت، میان خوف و رجا ننگه داشته شود تا نه بر گناهان جسور شود و نه یکسره از رحمت خداوند ناامید گردد. در این سوره شاهد درهم آمیختگی اظهار رحمت و تهدید از جانب پروردگار هستیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۱۴۶)، البته با غلبه رحمت. در بخشی از سوره، اشاره کوتاهی به سرنوشت مجرمان و مجازات‌های دردناک آنها شده است؛ ولی با توجه به اینکه اساس سوره بر بیان رحمت الهی است، در این بخش توضیح زیادی داده نشده، به عکس، نعمت‌های بهشتی به طور مشروح و گسترده آمده و دل‌های مؤمنان را غرق سرور، امید و شوق نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ص ۸۹). طبق یک پژوهش انجام شده نیز روند آیات

به این صورت است که گفتمان آیه «فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» از الگوی تنشی صعودی پیروی می‌کند؛ به این معنا که هرچه در سوره الرحمن به پیش می‌رویم، شاهد افزایش درگیری احساس و ادراک مخاطب و افزایش فشارهای عاطفی و برانگیختگی احساسی تا پایان آن هستیم، و درنهایت، بیان نام خدا و صفت رحمانیت او همچون مرهمی بر ذهن و ادراک مؤمن راستین می‌نشیند و فشار عاطفی مثبت ایجاد می‌کند (شریفی و نجم‌الدین، ۱۳۹۳)؛ از این رو این سوره با هیجان مثبت به پایان می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نکات تربیتی سوره الرحمن ناظر به پرورش شکر مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که خداوند در این سوره به گونه‌ای حکیمانه و هنرمندانه، مبادی شناختی و انگیزشی رفتار قدرشناسانه را اصلاح و تقویت می‌کند؛ در حوزه شناختی به تبیین دقیق نعمت‌های عالم هستی، و همچنین منعم می‌پردازد، و در بعد گرایشی نیز با ظرافتی کامل، از ترکیبی از عواطف مثبت مانند عشق، شوق و امید، و عواطف منفی همچون احساس گناه، شرم، ندامت و ترس، برای اصلاح رذیله اخلاقی ناسپاسی، و ترغیب و تقویت فضیلت سپاسگزاری استفاده می‌کند. با توجه به یافته‌ها می‌توان این تأثیرگذاری را به صورت زیر نشان داد:



با توجه به این یافته، در پرورش انسان شاکر، نه توضیح و تبیین به تنهایی، انسان را سپاسگزار می‌کند و نه اکتفا به تحمیل فشار عاطفی یا عادت‌سازی، بدون تجهیز او به

حکمت نظری و عملی، رفتار ریشه‌دار و پرمغزی ایجاد می‌کند. پس توجه به هر دو بعد شناختی و گرایشی متربی لازم است.

در مورد بعد گرایشی، جالب توجه است که با وجود سرزنش‌ها و عتاب‌های تند و مکرر و توزیع شده در کل سوره - که می‌کوشد انسان ناسپاس را متوجه زشتی خطای خود کند -، و همچنین با وجود اشاره به عذاب‌های اخروی برای ناسپاسان، سوره در ابتدا، با بیان رحمت الهی شروع می‌شود، در میانه، به نعمت‌های بهشتی می‌پردازد و در نهایت، با اکرام الهی پایان می‌پذیرد. بنابراین می‌توان گفت که در این سوره، غلبه با رحمت است؛ به طوری که فرد گناهکار در عین تجربه احساس گناه، شرم و ندامت به دلیل ناسپاسی در برابر رب رحمان، از احساس عشق و شوق بازگشت به آغوش پروردگار ارحم الراحمین لبریز شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

احمدی، اسماعیل. (۱۴۰۰). کاربرد و بررسی اغراض ثانوی جملات پرسشی (علم معانی) در سوره الرحمن. نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی. قابل دسترس در:

<https://civilica.com/doc//1245570>

ارفع، سید کاظم. (۱۳۷۴). اسماء الحسنی و سیر و سلوک الی الله. تهران: انتشارات فیض کاشانی. بمانیان، محمدرضا؛ انصاری، مجتبی؛ نقره کار، عبدالحمید؛ و وثیق، بهزاد. (۱۳۹۰). حکمت عناصر معماری منظر در بهشت قرآنی با تأکید بر سوره مبارکه الرحمن. فصلنامه صفا، ۲۱(۲)، صص ۵-۱۴.

<https://doi.org/20.1001.1.1683870.1390.21.2.1.1>

پیترسون، کریستوفر؛ سلیگمن، مارتین. (۱۴۰۰). طبقه‌بندی توانمندی‌های منش و فضیلت‌های انسانی. تهران: رشد.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴). دانش و روش بندگی. قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۷/۲۶). درس تفسیر سوره الرحمن. جلسه ۳ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۷/۳۰). درس تفسیر سوره الرحمن. جلسه ۵ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۰۱). درس تفسیر سوره الرحمن. جلسه ۶ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

<http://jmp.isca.ac.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۰۲). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۷ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۰۳). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۸ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۰۸). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۱۱ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۱۰). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۱۳ [سخنرانی]. بازبینی شده از

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۸/۱۵). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۱۵ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۹/۰۴). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۱۷ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۹/۰۵). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۱۸ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۹/۰۸). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۲۰ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶/۰۹/۱۸). درس تفسیر سورة الرحمن. جلسه ۲۵ [سخنرانی]. قابل دسترس در:

<https://esra.ir>

داودی، محمد. (۱۳۹۳). اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم). قم: معارف.
دولتی، کریم. (۱۴۰۲/۰۶/۰۸). تکرار «فِیْ آلاءِ رَبِّکُمْ تُکَذِّبَانِ» نشانه‌ای بر اختیار انسان است
[خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا). کد خبر: ۴۱۶۴۴۶۶]. قابل دسترس در:
<https://iqna.ir/fa/amp/news/4164466>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۶). معجم مفردات الفاظ القرآن (محقق: ندیم مرعشلی).
تهران: مرتضوی.

رحمتی، طیبه؛ قیطوری، عامر. (۱۴۰۰). بررسی ساختار وجه سورة الرحمن بر اساس نظریه نقشی
نظام مند هلیدی. دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۰(۱)، صص ۱۲۱-۱۳۳.
<https://doi.org/10.22108/NRGS.2021.124933.1578>

رحیملو، عباس؛ طیب حسینی، سید محمود. (۱۳۹۹). بازتفسیر انسجامی «فیهن» در سورة
الرحمن با شناخت شگرد ادبی تجرید و استخدام. فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۸(۱)،
صص ۲۵-۴۹.

<https://doi.org/20.1001.1.23452234.1399.8.1.2.7>

رضوان، هادی؛ زرین‌پور، داوود. (۱۳۹۲). بررسی زیبایی‌شناسی مقابله و فاصله در سورة
الرحمن. دوفصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۰(۱)، صص ۵۷-۷۴.
<https://doi.org/10.22051/TQH.2014.900>

رقیبی، المیرا؛ نورائی، محسن. (زیر چاپ). بازخوانی ادبی - تفسیری آیه «فِیْ آلاءِ رَبِّکُمْ تُکَذِّبَانِ»
با تمرکز بر «تکرار» و «ترجیع». دوفصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم، ۹(۱۷).
<https://doi.org/10.22034/sshq.2025.512148.1535>

سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۹۰). زبان قرآن از منظر کارکردشناسی. فصلنامه مطالعات
تفسیری، ۲(۵)، صص ۱۶۳-۱۹۰.

<https://doi.org/20.1001.1.22287256.1390.2.5.6.5>

شاهرخی شهرکی، مریم. (۱۴۰۱). بررسی گفتمان سورة الرحمن از منظر زبان‌شناسی و
نشانه‌شناسی اجتماعی و انعکاس آن در نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی. فصلنامه مطالعات
هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، صص ۶۸۹-۷۱۰.

<https://doi.org/10.22034/ias.2023.383212.2155>

شریفی، حدیث؛ نجم‌الدین، فؤاد. (۱۳۹۳). تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره‌الرحمن (مبتنی بر الگوی تنشی). دوفصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۳(۱)، صص ۴۷-۷۲.

https://doi.org/quran.journals.pnu.ac.ir/article_1636.html

حیدری، لیلان. (۱۴۰۱). بررسی اسلوب تکرار در جزء ۲۷ و ۲۹ قرآن کریم (استاد راهنما: سید اسماعیل حسینی اجداد نیایی). پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی، ج ۱۹). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان (مترجم و نگارش: احمد بهشتی، مصحح و تنظیم: موسوی دامغانی، ج ۲۴). تهران: انتشارات فراهانی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۲). تهران: کتابفروشی اسلام.

غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۶۸). کیمیای سعادت (به کوشش حسین خدیوجم، ج ۲). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

غفاری، عبدالغفار. (۱۴۰۰/۰۴/۱۹). فلسفه تکرار برخی آیات در قرآن [گفت‌وگو با خیرگزاری ایکنان]. کد خبر: ۳۹۸۲۴۵۶. قابل دسترس:

<https://www.google.com/amp/s/iqna.ir/fa/amp/news/3982456>

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور (ج ۹). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۶). قاموس قرآن (ج ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کاشف بناب، حسین؛ رضوی پور، سید فضل‌الله؛ محمدی، حسن؛ و نجف‌پور، جعفر. (۱۴۰۲). هنر سازه‌های مفید در سوره‌های الرحمن، حدید و حشر. فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۱۳(۱)، صص ۱۶۱-۱۹۰.

<https://civilica.com/doc//1880884>

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی (ج ۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۴ق). الکافی (ج ۲). بیروت: دارالاضواء.

<http://jmp.isca.ac.ir>

محمودی صاحبی، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی مسئله تکرار قصه‌ها در قرآن با تأکید بر پاسخ به شبهات مستشرقان (استاد راهنما: محمدعلی مجد فقیهی). رساله دکتری، دانشگاه معارف اسلامی قم، مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی.

محدثی، جواد. (۱۳۹۴). بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). اخلاق در قرآن (ج ۱). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲). اخلاق در قرآن (ج ۳). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲۳). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز (ج ۲۳). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۷). خلاصه کتاب چهل حدیث (تلخیص و تبیین: اصغر مددی). قم: معرفت.

موسوی لری، اشرف السادات؛ یاقوتی، سپیده. (۱۳۹۲). مقارنه تصویری آیات آلاء الرحمن قرآن کریم با نظریه تصویرپردازی سید قطب. فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۱۰(۱۹)، صص ۲۰-۲۴.

<https://civilica.com/doc//1004752>

میرباقری، مهدی. (۱۳۹۴/۰۵/۱۴). مقامات و مراتب شکر [سخنرانی]. قابل دسترس در: <https://ahlolbait.com/content/16867>

نراقی، احمد. (۱۳۹۰). معراج السعاده. تهران: انتشارات پیام آزادی. وجدانی، فاطمه؛ گل محمدپور لری، علیرضا. (۱۴۰۲). تأملی در امکان و الزامات کاربرد "ملامت" به مثابه یک شیوه اصلاح اخلاقی. فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۳(۴)، صص ۴۱-۶۳.

<https://doi.org/10.22081/JARE.2024.68003.1873>

<http://jmp.isca.ac.ir>

- Behzadipour, S., Sadeghi, A., & Sepahmansour, M. (2019). A Study on the Effect of Gratitude on Happiness and Well Being. *Biquarterly Iranian Journal of Health Psychology*, 1(2), pp. 65-72. https://ijohp.journals.pnu.ac.ir/article_3949.html
- Büssing, A., Weit, M., & Baumann, K. (2024). Experiences of Awe and Gratitude and Related Triggers Among Religious Brothers and Sisters: Findings from a Cross-Sectional Study in Germany. *Journal of Religion and Health*, 63, pp. 1880-1904. <https://doi.org//link.springer.com/article/10.1007/s10943-023-01983-5>
- Fitzgerald, P. (1998). Gratitude and Justice. *Ethics*, 109(1), pp. 119-153. <https://doi.org/10.1086/233876>
- Fricker, M. (2016). What's the point of blame? A paradigm-based explanation. *Nous*, 50(1), pp. 165-183. Doi: <https://www.jstor.org/stable/43828961>
- Hill, P. L., Allemand, M., & Roberts, B. W. (2013). Examining the pathways between gratitude and self-rated physical health across adulthood. *Personality and individual differences*, 54(1), pp. 92-96. <https://doi.org//10.1016/j.paid.2012.08.011>
- Kendler, K. S., Liu, X.-Q., Gardner, C. O., McCullough, M. E., Larson, D., & Prescott, C. A. (2003). Dimensions of religiosity and their relationship to lifetime psychiatric and substance use disorders. *American Journal of Psychiatry*, 160(3), pp. 496-503. <https://doi.org/10.1176/appi.ajp.160.3.496>
- Ma, M., Kibler, J. L., & Sly, K. (2013). Gratitude is associated with greater levels of protective factors and lower levels of risks in African American adolescents. *Journal of adolescence*, 36(5), pp. 983-991. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2013.07.012>
- Maslow, A. H. (1964). *Religions, values, and peak experiences*. Ohio state university: Penguin Books Limited.

- McCullough, M. E., Emmons, R. A., & Tsang, J. (2002). The grateful disposition: A conceptual and empirical topography. *Journal of Personality*, 82, pp. 112-127. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.82.1.112>
- McCullough, M. E., Kilpatrick, S., Emmons, R. A., & Larson, D. B. (2001). Gratitude as moral affect. *Psychological Bulletin*, 127, pp. 249-266. https://doi.org/emmons.faculty.ucdavis.edu/wp-content/uploads/sites/90/2015/08/2001_1-Is-Gratitude-a-Moral-Affect.pdf
- Pickard, H. (2013). Irrational Blame. *Analysis*, 73(4), pp. 1-10. <https://doi.org/10.1093/analys/ant075>
- Roberts, R., & Telech, D. (2019). The Emotion-Virtue-Debt Triad of Gratitude: An Introduction to The Moral Psychology of Gratitude. In *The Moral Psychology of Gratitude* (R. Roberts & D. Telech, Eds.). London: Rowman & Littlefield International Ltd.
- Simion, M. (2021). Blame as performance. *Synthese*, 199, pp. 7595-7614. <https://doi.org/link.springer.com/article/10.1007/s11229-021-03130-7>
- Smith, A. M. (2013). Moral blame and moral protest. Coates and Tognazzini, 2013, pp. 27-48. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199860821.003.0002>
- Vojdani, F., & Golmohamdpour Lori, A. (2024). The aims and components of educational blame emphasizing Allameh Tabatabai's viewpoints in Tafsir Al-Mizan. *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 15(56), pp. 139-172. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2024.77492.2921>
- Weiner, B. (1985). An attributional theory of achievement motivation and emotion. *Psychological review*, 92(4), pp. 548-573. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.92.4.548>